



۶۳

معرفی دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره

به نظر محققان، نخستین بارقه‌های پیوند فرهنگی و تاریخی میان ایرانیان و ساکنان شبه‌قاره، در حدود ۲۵۰۰ سال پیش درخشیدن گرفت. از آن زمان بود که روابط بازرگانی نقاطی از سرزمین هند با شهرهایی در کرانه‌های دجله و فرات و کشورهای آسیای غربی از طریق خلیج فارس برقرار شد. پس، ایرانیان همچنان بر ادامه تبادلی فرهنگی دو کشور دیرسال پای فشردند. چنان‌که به گواهی بعضی از مؤلفان چون ابن ندیم، در عصر پادشاهان ساسانی که به آشنا ساختن محافل علمی ایران با دستاوردهای فرهنگی اقوام متمدن دیگر اهتمام داشتند، دانشمندانی به جانب هند روانه

شدند تا گلچینی از آثار مکتوب هندیان را به ایران آورند و به زبان پهلوی برگردانند. در کتاب پهلوی دینکرت و نیز تاریخ ابی‌الفدا آمده است که شاپور ساسانی فرمان داد تا بعضی از کتاب‌های هندی به زبان پهلوی درآید. مورخان به دانشمندی از همان عصر، به نام معنی بیت اردشیری اشاره می‌کنند که از زبان سُریانی به پهلوی ترجمه می‌کرده و اشعاری نیز برای مراسم دینی می‌سروده و آثار او در هندوستان شهرت بسیاری داشته است. اثرگذاری محصول فکری هندوان بر فرهنگ ایرانی به حوزه دینی و ادبی محدود نماند. ایرانیان بعدها از معلومات هندوان، خاصه در علم طب، بهره‌های فراوان بردند؛ چندان که برای پیشبرد طب ایرانی، پزشکانی حاذق را از هندوستان به بیمارستان و مرکز علمی جندی‌شاپور دعوت کردند تا مقیم آنجا شوند. از جمله این طبیبان می‌توان به کسانی چون «کنکه» و «ابن‌دهن» اشاره کرد که در عهد عباسیان می‌زیسته‌اند. کنکه همان کسی است که کتاب چاناکیا (شاناق) را به یاری ابوحاتم بلخی، از هندی به پهلوی ترجمه کرد و پس از او عباس بن سعید جوهری، بخشی از همین کتاب را با نام کتاب السُموم برای خلیفه عباسی، مأمون، به عربی برگرداند.

در دوره اسلامی، نخستین گام‌های هندشناسی ایرانیان نیز در عصر غزنویان برداشته شد. در آن روزگار، ابوریحان بیرونی، دانشمند نامور ایرانی، طی سیر و سفری ممتد در هند، با دانشوران آن سرزمین آشنا شد و با کسب اطلاعات وسیع و معتبر از علوم و حکمت و عقاید هندوان، مایه‌های فراوانی از فرهنگ غنی هند اندوخت که در تألیف اثر ارزشمند خود، تحقیق ماللهند از آنها بهره جست. وی چندین کتاب نیز از زبان سنسکریت به عربی برگرداند. ابوریحان، در تحقیق ماللهند، که می‌توان آن را نخستین کتاب هندشناسی ایرانیان دانست، به وصف عقاید و رسوم و آداب هندوان پرداخت و دیدگاه علما و حکمای هند را در فلسفه، نجوم و هیئت گزارش کرد.

درباره پیشینه رواج زبان فارسی در شبه‌قاره، از مدارک تاریخی چنین

برمی آید که در سده سوم هجری، برای نخستین بار، هندوان فرصت یافتند تا با فارسی‌زبانان آشنایی مؤثر پیدا کنند. در آن زمان، بنا به قول ابن حوقل در صورة الارض و اصطخری در المسالك و الممالک، مردم مُلتان و منصوره به زبان عربی و سندی، و مردم مُکران به زبان فارسی سخن می‌گفتند. در اوایل سده چهارم هجری، در سِند شاعری ظهور کرد مشهور به «رابعه بنت کعب قُرداری» که اشعار فصیح دلکشی از او در قدیم‌ترین تذکره‌ها نقل شده‌است و می‌رساند که در زمان او، زبان فارسی در سِند رواج داشته‌است. در عصر غزنویان، شاعران نامداری در شبه‌قاره پدید آمدند. عوفی در تذکره لباب‌الالباب، فصلی را به شعرای غزنه و لاهور اختصاص داده و این از آن حکایت می‌کند که به روزگار غزنویان، زبان و ادب فارسی در هند شمالی رونق داشته‌است. در همین عصر بود که مسعود سعد سلمان، اولین شاعر مسلمان ایرانی‌الاصلی که در هند می‌زیسته، ظهور کرده‌است. وی به هر سه زبان عربی، فارسی و هندی شعر گفته و دیوان داشته که امروز دیوان هندی او در دست نیست. ادبیات صوفیانه‌ای که بعدها در قالب نظم و نثر، در مراکز خانقاهی شبه‌قاره پدید آمد، از دیگر عرصه‌های بسیار مهم و مؤثر فکری و فرهنگی ایرانی-اسلامی بود که در آن سرزمین آثاری ماندگار از خود برجای گذاشت. کشف‌المحجوب علی‌بن عثمان هجویری، که در نیمه سده ۵ ق در لاهور نوشته شد، در واقع، نخستین تألیف مستقلی است که به زبان فارسی درباره تصوف نوشته شد و به صورت یکی از مهم‌ترین منابع این رشته در آمد. از سده‌های ۶-۵ ق، تصوف اسلامی از خراسان و عراق به هند روی آورد و وسیله برقراری رابطه معنوی میان مسلمانان این ناحیه با عالم اسلامی بیرون از شبه‌قاره گردید. نظم و نثر عرفانی شاعران و نویسندگان مسلمان هند نیز در مجموع از سبک و شیوه آثار شاعران صوفی مسلک خراسان و عراق متأثر بوده‌است. آثاری چون فوائد‌الفواد امیر حسن سجزی (سده ۶ ق)، سیرالاولیاء میر خرد کرمانی و اخبارالاحیاء محدث دهلوی، علاوه بر آنکه افکار و احوال

مشایخ صوفیه را در دوره‌های متعدد و چگونگی اوضاع خانقاه‌ها و زندگی خانقاه‌های آنان را در آن سرزمین به ما عرضه می‌دارد، اطلاعات تاریخی و اجتماعی بسیاری نیز در اختیار ما می‌نهد. پس از عصر غزنوی به عهد سکندر لودی می‌رسیم. بنابه قول مورخان، نخستین کوشش همه‌جانبه در راه گسترش زبان فارسی در هند، در زمان این پادشاه انجام گرفت؛ هرچند از این کوشش‌های ثمربخش گزارش مفصلی در دست نیست. آنچه مسلم است این است که سهم اصلی و اساسی در ترویج شعر و ادب فارسی در سرزمین هند از آن بایریان (گورکانیان) هند و پادشاهان جزء دکن (بهمنیان، قطب‌شاهیان، نظام‌شاهیان، عادل‌شاهیان، بریدشاهیان) و امیران و بزرگان آن دیار در سده ۱۰-۱۲ ق است. اینان که غالباً از ایران بدان سامان رفته بودند، چون قدرت و ثروتی حاصل کردند، دربار خود را به روی علما و ادیبان و ادب‌شناسان و شاعران گشودند و با نثار کیسه‌های سیم و زر در پای آنان، باعث شدند تا شعر و ادب فارسی در آن خطه رواج چشمگیری یابد.

از اسباب عمده‌ای که هند را در این ایام مطمح نظر شعرا و علمای ایران می‌ساخت، غیر از تسامح و دُرپاشی اکبرشاه (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ ق) و اخلاف او، علاقه شخصی و قریحه شاعری ملوک و امرای بایری بود که به سائقه ذوق، در جلب مستعدان می‌کوشیدند.

مورخان در توصیف حکومت پنجاه‌ساله اکبر گورکانی، که از جانب مادر به خانواده‌ای از نجای ایرانی تعلق داشت، نوشته‌اند که حکومت این حکمران فارسی دوست به دلیل عشق و علاقه به فرهنگ و تمدن ایران، رنگی کاملاً ایرانی به خود گرفت. شاهد این قول همان بس که او جشن نوروز را در دربار خود مرسوم کرد و جشن‌های باشکوهی به شیوه پادشاهان ایران ترتیب داد. در ایام سلطنت او، علاوه بر رواج شعر و ادب و آداب و رسوم ایرانی در هند، هنر نقاشی و فن معماری نیز به سبک ایرانی در شبه‌قاره رواج گرفت. تأثیر این سبک معماری را در بناهایی چون مقبره همایون، آرگ آگره و قلعه

لاهور به روشنی می‌توان ملاحظه کرد.

همچنین اکبرشاه در گسترش ادب فارسی در قلمرو خود جهدی بلیغ مبذول داشت و به شماری از دانشمندان دربار خود، از جمله شیخ مبارک، فیضی، ابوالفضل علامی، عبدالقادر بدآؤنی، و عبدالرحیم خان خانان، فرمان داد تا شاهکارهای ادبیات زبان‌های گوناگون از قبیل سنسکریت، عربی، ترکی و حتی لاتینی را به زبان فارسی ترجمه کنند. از این میان، آن پادشاه خردورز گورکانی، نسبت به ترجمه آثار سنسکریت به زبان فارسی تمایل بیشتری نشان می‌داد، چون این اقدام را وسیله‌ای سودمند برای ایجاد تفاهم متقابل میان مسلمانان و هندوان می‌شمرد. کتاب‌هایی چون *مهابهارات*، *راماین*، *راج‌ترنگینی*، *سنگهاسن بتیسی* و *پنچاتنترا*، که جملگی در اصل به زبان سنسکریت‌اند، در زمان حکومت او، به همت مترجمان نامدار شبه‌قاره، به زبان فارسی برگردانده شدند. شاهزاده داراشکوه، یکی از نوادگان اکبر، کتاب بسیار معروف *اوپانیشادها* در فلسفه و عرفان را به فارسی درآورد و آن را *سراکبر* نامید. از سوی دیگر، به سبب تشویقی که فرمانروایان شبه‌قاره از شعر و هنر به عمل می‌آوردند، این منطقه برای شعرا و ادبای ایران در این دوره نوعی «سرزمین فرصت‌ها» تلقی می‌شد. از اشارات بعضی از آثار معروف مانند *تذکره میخانه*، *مآثر رحیمی*، *خزانه عامره* و *مرآت‌الخیال*، که هم در این ایام در هند نوشته شد، کثرت شاعران و فارسی‌گویان هند و رواج فراوان شعر فارسی را در آن دیار می‌توان دریافت.

به گواهی محققان، زرفشانی‌های پیاپی در مقدم شاعران و نویسندگان و ادب‌شناسان پارسی‌گوی باعث شد تا ادبای بسیاری از گیلان و مازندران و شیراز و کاشان و اصفهان و مشهد و تبریز و همدان، راهی دیار هند شوند، و از همین رهگذر بود که شوق شکرستان هند آن‌چنان در دل‌ها جای گرفت که کمتر به نامه و نوید حاجت می‌افتاد. در شعر آن دوره نیز مضمون تازه شوق سفر هند پدید آمد که جلوه‌هایی از آن را در شعر شاعرانی چون مشرقی،

فیاض لاهیجی، صائب تبریزی، حسن بیگ رفیع قزوینی و کلیم کاشانی می توان
سراغ گرفت.

درحقیقت، فیضی از دریای فرهنگ و ادب ایران، با ادب و شعر فارسی
و شیوه‌ها و قالب‌ها و مضامین و مایه‌های آن، نثار دیار هند شد. به‌عنوان
مثال، شاعری چون امیر خسرو دهلوی، هرچند هرگز از سرزمین اجدادش
پای بیرون ننهاد، در غزل از شیوهٔ سعدی و عراقی و عطار، و در داستان‌سرایی
از راه و روش نظامی گنجوی الهام می‌گرفت. در شعر شاعران آن خطه،
تحوّلی که بعدها به‌صورت سبک هندی جلوه‌گر شد، روی داد. نخستین
نمودهای سبک هندی در ایران، که بسیاری از ویژگی‌های آن در اشعار
باباغانی، امیدی تهرانی و هلالی جغتایی به‌خوبی دیده می‌شد، در سده‌های
۱۱ و ۱۲ ق، در هند روی به‌بالندگی نهاد و شاعرانی چون عرفی، طالب،
ظهوری و بیدل دهلوی این طرز را به کمال رساندند. نثر فارسی نیز از اواخر
سدهٔ ۶ ق از غزنین آغاز شد، و پس از آن به لاهور و مُلتان و دهلی و دیگر
مراکز فرهنگی راه یافت و چون زبانی دیوانی و درباری گردید، به تدریج در
قشرهای مختلف جامعه و در میان نومسلمانان و بومیان غیرمسلمان گسترش
یافت. نخستین فارسی‌نویسان شبه‌قاره از مهاجران فارسی‌زبانی بودند که از
نقاط گوناگون ایران به دربارهای سلاطین غوری، خَلجی و تُغلق می‌پیوستند.
خصوصاً پس از حملهٔ مغول بود که گروه‌هایی از اهل علم و ادب و عرفان،
از آسیای مرکزی و خراسان، به شهرهای شمال غربی شبه‌قاره روی آوردند
و در پناه فرمانروایان مسلمان آن سرزمین، گوشهٔ فراغ و آسایش گزیدند.
نثرنویسی در مراکز علمی و ادبی شبه‌قاره در چندین قلمرو پیشرفت نمایان
داشت، که از آن میان می‌توان به تاریخ‌نگاری، تذکره‌نویسی و فرهنگ‌نویسی
اشاره کرد. تاریخ‌نگاری به زبان فارسی، از اوایل سدهٔ ۷ ق، در ایام حکومت
غوریان و ممالک، در دهلی آغاز شد. نخستین کوشش در این عرصه ترجمهٔ
فارسی کتابی بود در تاریخِ سِند، که اصل آن به زبان عربی در اوایل سدهٔ

۳ نوشته شده بود. هر چند اصل آن کتاب امروز در دست نیست، اما ترجمه فارسی آن که به‌همت علی بن حامد کوفی انجام گرفته، با عنوان *فتح‌نامه سیند* یا *چچنامه* به چاپ رسیده است. اثر منثور دیگری که به زبان فارسی درباره تاریخ هند نوشته شده و در دست است *تاج‌المآثر نظام‌الدین حسن نظامی نیشابوری* است. این کتاب وقایع دوران سلطنت قطب‌الدین ایبک و شمس‌الدین ایلتمش (نیمه سده ۷ ق) را دربردارد. پس از این دو کتاب، باید از *طبقات ناصری منہاج سراج جوزجانی* یاد کرد که از منابع مهم تاریخ به شمار می‌آید. غیر از آثار فارسی در حوزه تاریخ‌نگاری، زبان فارسی در عرصه تذکره‌نویسی و فرهنگ‌نگاری نیز در حیات فکری شبه‌قاره سهمی عظیم داشته است. پیوند تاریخی و کهن مردمان ایران و هند تنها به ادبیات و شعر و شاعری محدود نمی‌شود، بلکه حوزه‌های فلسفه و عرفان، موسیقی و معماری، بازرگانی و سیر و سفر و آداب و رسوم را نیز دربرمی‌گیرد؛ هر چند مهم‌ترین عامل ارتباط همواره زبان و ادبیات فارسی بوده است. در دوران بعد نیز شعله شیفستگی به زبان و ادب فارسی، که با بایران و بهمنیان در شبه‌قاره برافروختند، به یک‌باره خاموش نگشت و در گذرگاه تاریخ معاصر آن سرزمین راهنمای هندوانی شد که مجمر دل را به مضامین و مفاهیم ادبیات فارسی روشن نگه داشتند و در قالب‌های گوناگون شعر فارسی طبع آزمایی کردند و اندیشه‌های بلند خود را در جامه‌ای هر چه زیباتر برای آیندگان به یادگار گذاشتند. در سال‌های اخیر نیز شوق به حفظ میراث مکتوب بزرگان شبه‌قاره، عده‌ای از ادب‌شناسان آن دیار را بر آن داشته است که نسخه‌های خطی دیوان‌های شعر یا تذکره‌های احوال شاعران سرزمین هند را به زیور طبع بیاریند، یا در موضوعات گوناگون ادب فارسی آثار ارزشمندی بنگارند و به چاپ برسانند. بزرگانی چون علامه اقبال لاهوری، پروفیسور شبلی نعمانی، پروفیسور محمد شفیع، پروفیسور محمود حافظ شیرانی و غیره، که روی

در نقاب خاک کشیده‌اند، و جمع بی‌شمار دیگری که زنده‌اند و مشعل فروزان زبان فارسی را روشن نگه می‌دارد، از این طایفه‌اند. همچنین در سال‌های اخیر، انجمن‌ها و سازمان‌هایی در شبه‌قاره، گسترش و ترویج زبان فارسی را وجهه‌ی همت ساخته‌اند، که در این میان تلاش انجمن استادان زبان فارسی سراسر هند شایسته‌ی ستایش خاص است. آنچه گذشت نگاهی اجمالی بود به سیر و چگونگی گسترش زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، در پاس داشت گذشته‌ی درخشان زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین، و نیز زنده نگه داشتن خاطرۀ دلپذیر اقبال و توجه حاکمان و بزرگان و فرهیختگان آن دیار به ادیبان و شاعران ایران‌زمین و به نشانه‌ی سپاس از تلاش‌های بی‌دریغ بزرگ‌مردان معاصر شبه‌قاره و انجمن‌های ادبی گوناگونی که برای روشن نگه داشتن مشعل فروزان ادب فارسی، از جان مایه گذاشته‌اند. لازم آمد تا فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جمهوری اسلامی ایران، تدوین *دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی* در شبه‌قاره را به عهده گیرد، و به یاری استادان و پژوهشگران از کشورهای هند و پاکستان و بنگلادش و ایران این مهم را به انجام رساند. در اجرای این نیت خجسته، نخستین بار در سال ۱۳۷۲ به پیشنهاد و پایمردی جناب آقای دکتر حسن حبیبی، رئیس وقت فرهنگستان، گروهی به نام *دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی* در شبه‌قاره تأسیس شد، و شماری از استادان و پژوهشگران داخلی و خارجی به کمک فراخوانده شدند. نخستین حاصل کار این گروه، دفتر حاضر است که تقدیم محضر ادب‌دوستان می‌شود. بنابه شیوه‌نامه‌ی *دانشنامه*، که از اصول *دانشنامه‌های معتبر جهانی* پیروی نموده و به محتوا و موضوع مداخل نیز به تفصیل اشاره کرده‌است، شرح حال شخصیت‌های برجسته و گرانسنگ معاصر که در قید حیات هستند و منشأ خدماتی ارزنده یا صاحب آثاری گران‌قدر به زبان فارسی بوده‌اند، قاعدتاً نمی‌بایست در این *دانشنامه* گنجانده می‌شد، اما شورای علمی فرهنگستان به پاس قدردانی از خدمات فرهنگی و تشویق آنان تصویب نمود تا این فرهیختگان و مروّجان فرهنگ



ایرانی - اسلامی شبه‌قاره، که در هنگام تألیف دانشنامه در آستانه شصت‌سالگی (سن بازنشستگی) قرار دارند نیز جزو مداخل قرار گیرند. از این روی، براساس دست‌نوشته‌ها و منابع موجود در دسترس، از جمله کتاب، مجله، مقاله و شرح حال خودنوشت اشخاص، به معرفی آنان و آثارشان پرداخته شد.

سیاست کلی فرهنگستان بر این است که تمام و یا بیشترین مداخل‌ها را استادان و مؤلفان شبه‌قاره تألیف کنند و گروه دانشنامه شبه‌قاره فرهنگستان فقط ویرایش و آماده‌سازی این مقالات را طبق اصول دانشنامه‌نویسی برعهده گیرد.



گزارش فعالیت‌های گروه «دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره» در بهار ۸۵

هدی سیدحسین‌زاده
معاون گروه شبه‌قاره

تدوین و چاپ مجلّات دیگر *دانشنامهٔ شبه‌قاره* با کیفیتی مطلوب‌تر و در آینده‌ای نزدیک‌تر، یکی از دغدغه‌های اصلی دکتر حبیبی، طراح اصلی این دانشنامه، در فرهنگستان بوده و هست؛ به‌همین سبب، از آغاز این سال تصمیم گرفته شد تا با تغییرات اساسی در ترکیب اعضای شورای علمی این گروه و پشتیبانان دانشنامه در شبه‌قاره (هند و پاکستان، و در صورت امکان، بنگلادش) و با پیگیری‌های مستمر، سرعت بیشتری به پیشرفت کار داده شود. با همین هدف، از میان اعضای پیوسته شورای علمی فرهنگستان، استادانی برای عضویت در شورای علمی دانشنامه انتخاب شدند که



اسامی آنها عبارت است از: دکتر فتح‌الله مجتبائی، استاد اسماعیل سعادت، دکتر علی اشرف صادقی، استاد کامران فانی، دکتر مهدی محقق، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر محمدعلی موحد، دکتر سلیم نیساری و دکتر حسن انوری.

در این فصل، دو جلسه شورای علمی گروه به ریاست دکتر حبیبی در تاریخ‌های ۸۵/۳/۸ و ۸۵/۲/۱۱ تشکیل شد. مهم‌ترین مباحث این جلسه‌های عبارت بود از:

بررسی مسائل کلی دانشنامه؛ سیاست‌گذاری علمی دانشنامه که به‌عهده شورای علمی خواهد بود (براساس همین بحث، یک بار دیگر بر مبنای قرار دادن هر آنچه به زبان فارسی و در حوزه‌های مختلف در شبه‌قاره مربوط می‌شود، تأکید شد)؛ داوری علمی مقالات دریافت‌شده، که برحسب موضوع آنها توسط داورانی انجام خواهد شد که تحت نظارت سرپرستانی از میان اعضای شورای علمی دانشنامه قرار دارند؛ ارزیابی مجدد مداخل (شامل مداخل درجه ۳، ۲، ۱) و بررسی ویژه مداخل درجه سه، جهت حذف احتمالی برخی از مداخل کم‌اهمیت؛ چگونگی تعیین رابطان و افزایش تعداد آنها به صورت منطقه‌ای در مراکز مهم زبان و تحقیقات فارسی در شبه‌قاره و ارتباط با آنها؛ شناسایی متخصصان رشته‌های مرتبط با دانشنامه شبه‌قاره در دیگر نقاط دنیا برای تألیف مقالات؛ سفارش مقاله به مؤلفانی که به دلیل تسلط نداشتن به زبان فارسی، مقالات خود را به انگلیسی یا اردو تألیف می‌کنند؛ ترجمه برخی از مقالات جلد اول دانشنامه به زبان اردو برای استفاده محققان اردوزبان؛ و سرانجام اینکه مقالات آماده‌شده دانشنامه، پیش از چاپ، توسط گروه رایانه، بر روی «وب‌گاه» فرهنگستان ارائه شود. در پی تصمیم شورای علمی گروه برای بررسی مجدد مداخل، کلیه مداخل دانشنامه، با توجه به درجه‌بندی آنها، در سه جزوه مداخل درجه یک (شامل ۸۳۷ مداخل)، مداخل درجه دو (شامل ۱۶۸۱ مداخل) و سرانجام مداخل درجه سه، که بیشترین تعداد را به

خود اختصاص داده بود (شامل ۴۹۷۵ مدخل) تفکیک، و در اختیار اعضا قرار گرفت. به نظر می‌رسد با بررسی این مداخل، تعداد قابل توجهی از مداخل درجه سه در مجموعه بیش‌بینی شده دانشنامه حاضر (شامل ۶ جلد) حذف شود، اما احتمال دارد مقالات و اطلاعات این مداخل حذف شده، پس از پایان چاپ جلد ششم، به صورت ضمیمه در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

برای هماهنگی بیشتر میان مدیریت اجرایی فرهنگستان، روابط بین‌الملل و گروه دانشنامه شبه‌قاره، جلسه‌ای در تاریخ ۹ خردادماه ۸۵ با حضور دکتر علی محمد مؤذنی، رئیس گروه دانشنامه، دکتر نصرالله کاظمی کامیاب، مسئول روابط بین‌الملل، مهندس احمد ارژمند، دبیر فرهنگستان، این‌جانب و آقای علیرضا علاء‌الدینی، پیگیر سفارش مقالات شبه‌قاره، تشکیل شد. در این جلسه، مواردی در ارتباط با وظایف شوراهای علمی دانشنامه در شبه‌قاره، رابطان دانشنامه، میزان پرداخت‌ها و هزینه‌های کلی دانشنامه در شبه‌قاره مورد بررسی قرار گرفت.

گزارش ملاقات دکتر حبیبی و دکتر چندرشیکهر،

پروفسور بخش زبان و ادب فارسی
دانشگاه دهلی

امور بین الملل

دکتر چندرشیکهر: کار دانشنامه

زبان و ادب فارسی در شبه قاره بسیار بااهمیت است و جلسه امروز (مراسم رونمایی دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره) نشان داد که همه علاقه مند به ادامه کار هستند و انجام دادن چنین کاری ضروری است. دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره اولین کاری است که به منظور حفظ زبان و ادب فارسی در نسل های آینده هند انجام می گیرد؛ لذا از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

دکتر حبیبی: ما برای ادامه کار

برنامه جامعی داریم که جزئیات آن را بعداً به شما اطلاع خواهیم داد. در عین حال نکاتی به نظر می رسد

که می باید در سازمان دهی و تدوین مقالات جلد های بعدی مورد توجه قرار دهید.

سازمان کار

حضور یک رابط برای کشور بزرگی مثل هند کفایت نمی کند. ما باید چندین رابط در مناطق مختلف هند داشته باشیم که هر کدام تعدادی نویسنده را پوشش دهند؛ به همین دلیل لازم است کل نویسندگان را شناسایی و آنها را به گروه های مثلاً بیست و پنج نفری تقسیم کرده، برای هر گروه یک رابط تعیین کنیم که همه آنها توسط رابط اصلی در دهلی هماهنگ می شوند. در کنار آن باید یک شورای علمی داشته باشیم که کیفیت مقالات و توزیع آن را بررسی کند.

در این صورت، یک سازمان نظام یافته خواهیم داشت که در آن همه با یکدیگر ارتباط دارند، مقالات با سرعت توزیع می شود و



پرداخت‌ها نیز به موقع انجام می‌پذیرد. حضور رابطان منطقه‌ای در شناسایی و به‌کارگیری نویسندگان بسیار مؤثر است. برخی از نویسندگان در صورتی که تعداد بیشتری مقاله به آنها سفارش داده شود آماده‌اند تا کارهای فرعی را کنار بگذارند و عمدتاً در رابطه با دانشنامه به فعالیت بپردازند، در نتیجه کار با کیفیت و سرعت بهتری انجام می‌گیرد.

موضوعات

موضوعات را باید طبقه‌بندی کنیم:

- موضوعاتی که مستقیماً با زبان و ادب فارسی ارتباط دارند؛

- موضوعاتی که مستقیماً به زبان و ادب فارسی مربوط نمی‌شوند ولی ناشی از تأثیر زبان فارسی در هند است و در حقیقت تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی در شبه‌قاره از طریق زبان فارسی است؛

- آثاری هستند که تأثیری در زبان فارسی ندارند ولی لازم است با آن آثار آشنا شویم، چون به مجموعه فرهنگ شبه‌قاره و ما برمی‌گردد (مثل

تاج محل)؛

- اطلاعات متفرقه که دانستن آنها لازم است (مثل تاریخ معاصر هند و ارتباط آن با ایران).

نویسندگان

در تدوین دانشنامه، نویسندگان شبه‌قاره نسبت به سایر نویسندگان اولویت دارند و ایرانی‌ها هم باید در اولویت دوم باشند. البته ما متخصصانی مثل آقایان دکتر مجتبیایی و دکتر سلیم نیساری داریم که کارهایی انجام داده‌اند، لکن در مجموع ما امور را تنظیم و مدیریت می‌کنیم و بیشتر کار باید توسط متخصصان شبه‌قاره انجام گیرد.

نویسندگان نیز به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند:

- نویسندگان باتجربه‌ای که در جلد اول هم با ما همکاری داشتند و می‌توانیم از آنها براساس پرداخت ماهانه در ازای حداقل مقاله در ماه استفاده کنیم؛

- ما در شورا به این نتیجه رسیدیم که درخواست ارائه مقاله منحصراً از متخصصان زبان و ادب فارسی

نباشد، بلکه از متخصصانی که فارسی نمی‌دانند ولی در ارتباط با فرهنگ دوجانبه مقالاتی به زبان‌های دیگر هم نوشته‌اند استفاده شود؛

- تصمیم گرفتیم خودمان را محدود به نویسندگان و مؤسسات شبه‌قاره نکنیم. متخصصانی هستند که خارج از منطقه زندگی می‌کنند اما به فرهنگ منطقه نیز تسلط دارند.

لذا می‌باید ترتیبی داده شود که از این گروه نیز استفاده شود. به هر حال شما باید به ما فهرستی از رابطان اعضای شورای علمی و نویسندگان بدهید. ما می‌توانیم همایشی در تهران با حضور رابطان برای توجیه آنها داشته باشیم. البته در صورتی که امکان برگزاری چنین همایشی با حضور کلیه مقاله‌نویسان در هند باشد مؤثرتر است. رابطان و مقاله‌نویسان پس از توجیه شدن و شنیدن اصول دستور کار، بلافاصله می‌توانند کار را شروع کنند تا با برنامه‌ریزی منظم بتوانیم در مدت پنج سال مجلدات دیگر را به اتمام برسانیم.

در کنار این برنامه پنج‌ساله

می‌توانیم برخی مقالات را به زبان اردو ترجمه و منتشر کنیم که نه تنها مقدمات ترجمه کامل دانشنامه فراهم می‌شود، بلکه مقاله‌نویسان متوجه می‌شوند که مقالات آنها توسط علما در شبه‌قاره خوانده خواهد شد و لذا در کیفیت علمی آن دقت بیشتری می‌کنند.

دکتر چندرشیکهر: جناب عالی

روی نکات مهمی تأکید کردید. امروزه کارها به صورت گروهی انجام می‌پذیرد و از عهده یک نفر خارج است. اجرای طرحی که حضرت عالی ارائه کردید نظم و سرعت بیشتری به کارها می‌دهد و یقیناً جلد‌های بعدی در مدت بسیار کوتاه‌تری آماده خواهد شد. امروزه در هند مقالاتی که نوشته می‌شود، برحسب سطح نویسنده، بین ۱۵۰۰ تا ۶۰۰۰ روپیه هزینه دارد. ما می‌توانیم به بعضی از مؤلفان حقوق ماهانه‌ای در ازای تعداد مشخصی مقاله پرداخت کنیم. همچنین اگر دعوت ما را بپذیرید، می‌توانیم جلسه‌ای را با حضور جناب عالی، در دهلی برگزار کنیم تا



شما هم ضمن بازدید از دانشگاه، نویسندگان را توجیه بفرمایید. البته ما به کتابخانه کوچکی که دارای برخی از کتاب‌های مرجع باشد نیاز داریم تا وقت زیادی صرف پیدا کردن منابع نشود. ما تلاش می‌کنیم از دانشجویان نیز استفاده کنیم، ولی مقالات باید توسط نویسندگان خبره و با کیفیت عالی تهیه شود.

دکتر حبیبی: ما تأکید می‌کنیم که مقالات دانشنامه می‌باید خوب باشد و این کار توسط دانشجویان نمی‌تواند انجام شود، لکن باید تعدادی از دانشجویان مثلاً دوره دکتری را برای تنظیم پرونده‌های علمی استخدام کنیم که به تدریج در طول اتمام پنج جلد دانشنامه در مدت پنج سال، هریک از این دانشجویان تبدیل به یک مقاله‌نویس حرفه‌ای می‌شوند.

نکته دیگر اینکه لازم است مجموعه‌ای از نویسندگان در سطوح بالا و متوسط داشته باشیم و با هریک با توجه به کیفیت مقاله، شاخص مناسب برای پرداخت تنظیم کنیم.

مطلب دیگر اینکه باید از روش‌های جدید ارتباطی به منظور سرعت بخشیدن به کارها استفاده کنید. مقالات می‌باید از طریق دورنگار و E-mail دریافت شده، به نویسندگان انتقال یابد. ما در بنیاد ایران‌شناسی و فرهنگستان گنجینه‌ای از کتاب‌های شبه‌قاره داریم که نویسندگان می‌توانند از این مجموعه بهره‌برداری کنند و در صورت نیاز به برخی از کتاب‌ها می‌توانند آنها را با هزینه‌ی ما بخرند و پس از بهره‌برداری و اتمام کار به ایران بازگردانند.

دکتر چندریشیکهر: ضمن تشکر از توضیحاتتان، ما طرح شما را به‌نحو مطلوبی پیگیری می‌کنیم و منتظر حضور جناب‌عالی در دانشگاه دهلی هستیم.